

پیدایش ایش 32

- 24 و یعقوب تنها ماند و مردی با وی تا طلوع فجر کشتی می‌گرفت.
- 25 و چون او دید که بر وی غلبه نمی‌یابد، کف ران یعقوب را لمس کرد، و کف ران یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد.
- 26 پس گفت: «مرا رها کن زیرا که فجر می‌شکافد.» گفت: «تا مرا برکت ندهی، تو را رها نکنم.»
- 27 به وی گفت: «نام تو چیست؟» گفت: «یعقوب.»
- 28 گفت: «از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه اسرائیل، زیرا که با خدا و با انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی.»
- 29 و یعقوب از او سؤال کرده، گفت: «مرا از نام خود آگاه ساز.» گفت: «چرا اسم مرا می‌پرسی؟» و او را در آنجا برکت داد.
- 30 و یعقوب آن مکان را «فنینیل» نامیده، (گفت:) «زیرا خدا را روبرو دیدم و جانم رستگار شد.»
- 31 و چون از «فنونیل» گذشت، آفتاب بر وی طلوع کرد، و بر ران خود می‌لنگید.

یعقوب ایش 1

- 22 لکن کنندگان کلام باشید نه فقط شنوندگان، که خود را فریب می‌دهند.
- 23 زیرا اگر کسی کلام را بشنود و عمل نکند، شخصی را ماند که صورت طبیعی خود را در آینه می‌نگرد:
- 24 زیرا خود را نگریست و رفت و فوراً فراموش کرد که چطور شخصی بود.
- 25 لکن کسی که بر شریعت کامل آزادی چشم دوخت، و در آن ثابت ماند، او چون شنونده فراموشکار نمی‌باشد، بلکه کننده عمل، پس او در عمل خود مبارک خواهد بود.

یوحنا ایش 16

- 23 و در آن روز چیزی از من سؤال نخواهید کرد. آمین آمین به شما می‌گویم که هر آنچه از پدر به اسم من طلب کنید، به شما عطا خواهد کرد.
- 24 تا کنون به اسم من چیزی طلب نکریدید، بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل گردد.
- 25 این چیزها را به مثلها به شما گفتم، لکن ساعتی می‌آید که دیگر به مثلها به شما حرف نمی‌زنم بلکه از پدر به شما آشکارا خبر خواهم داد.
- 26 در آن روز به اسم من طلب خواهید کرد و به شما نمی‌گویم که من بجهت شما از پدر سؤال می‌کنم،
- 27 زیرا خود پدر شما را دوست می‌دارد، چونکه شما مرا دوست داشتید و ایمان آوردید که من از نزد خدا بیرون آمدم.
- 28 از نزد پدر بیرون آمدم و در جهان وارد شدم، و باز جهان را گذارده، نزد پدر می‌روم.